

## بررسی عوامل ایجاد مسئولیت شاهد در فقه امامیه و حنفیه

فاطمه رجایی<sup>۱</sup>، سید جواد خاتمی<sup>۲</sup>، سید محسن آرزو<sup>۳</sup>، زهرا شم آبادی<sup>۴</sup>  
(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۳۱)

### چکیده

شهادت یکی از مهم‌ترین ادله اثبات دعوی است؛ به گونه‌ای که از واجبات کفایی شمرده شده است. براساس اظهارات شاهد حکم صادر می‌شود و اجرای حکم آثار فراوانی را به دنبال دارد. در صورت رجوع شاهد از شهادت یا اثبات کذب وی، زیانهای وارده به مشهود علیه باید جبران شود. قواعد مسئولیت مدنی راه را برای جبران این خسارات هموار می‌کند. در این پژوهش به علت اهمیت فقه تطبیقی که موجب تقریب مذاهب و اصلاح پیش‌داوریهای مغرضانه می‌شود، عوامل ایجاد مسئولیت مدنی شاهد در فقه امامیه و حنفیه بررسی شده و اشتراکات و افتراقات موجود بین آن دو استخراج شده است. آراء فقهای دو مذهب در بسیاری از موارد مانند عدم نقض حکم صادره پس از رجوع شاهد از شهادت در امور مالی شبیه به هم است. اختلافات بسیار کمی مانند عدم مسئولیت برای رجوع شاهد در وصیت در فقه حنفی و وجود مسئولیت در فقه شیعه و عدم مسئولیت شاهد در رجوع از شهادت قبل از صدور حکم در فقه شیعه و وجود مسئولیت در فقه حنفی و... وجود دارد که در مقاله به آنها اشاره می‌شود.

---

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول) /

fatemehrajaei@gmail.com

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری / khatami@hsu.ac.ir

۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری /

sm.aziz16378@gmail.com

۴. کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه حکیم سبزواری /

sham.abadi@gmail.com

**کلیدواژه‌ها:** مسئولیت مدنی، جبران خسارت، رجوع از شهادت، شهادت زور، مسئولیت

شاهد.

### طرح مسئله

در پاسداشت حقوق انسانی، دستورات فراوانی در قالب نصوص دینی به ما رسیده است. مطابق آنها، هیچ‌کس اجازه پایمال کردن حق دیگری را نداشته و در صورت وقوع این امر، ملزم به جبران خسارت است. این دستور در تمامی ابواب فقهی و تعاملات انسانی جریان دارد. بحث شهادت هم از این قاعده مستثنی نبوده و در صورت ورود زیان به مشهودعلیه، باید راهی برای احقاق حق ضایع شده وجود داشته باشد. برخورد قاطعانه با شاهد متخلف و احقاق حق مشهودعلیه، هشداری برای دیگر شاهدان و مایه دلگرمی سایر افراد زیان‌دیده خواهد بود. درباره مسئولیت مدنی و کیفری شاهد در صورت رجوع از شهادت و شهادت دروغ در کتب فقهی مباحثی ذکر شده و اما به صورت مستقل و جداگانه به آن پرداخته نشده است. هم‌چنین پایان‌نامه‌هایی در این زمینه با عناوین «بررسی تطبیقی مسئولیت مدنی شاهد در حقوق ایران و فقه امامیه، نگارش فرشاد بنی‌عامریان؛ بررسی مسئولیت مدنی ناشی از شهادت کذب، نگارش میثم شمسی؛ مسئولیت مدنی و کیفری شاهد، نگارش زهرا طاهری» و مقاله‌ای با عنوان «بررسی فقهی حقوقی اثر رجوع شاهد از شهادت در دعاوی مدنی، نگارش مهدی حسن زاده» موجود است. اما این پژوهشها مطابق فقه شیعه و حقوق مدنی ایران نگارش یافته است.

لذا از آنجا که فقه مقارن در عصر حاضر دارای اهمیت بسیار است و مقایسه آراء اندیشمندان کار علمی است، مقایسه و بررسی نظرات مذاهب مختلف اسلامی نیز جهت نشان دادن اختلافات و اشتراکات امری مهم و مفید در تقویت اتحاد بین مسلمین است. در این پژوهش به اشتراکات و افتراقات موجود در فقه شیعه و فقه حنفی درباره مسئولیت مدنی شاهد پرداخته شده و در صدد پاسخ به این پرسشهاست. چه عواملی موجب مسئولیت مدنی شاهد در فقه شیعه و حنفی است؟ دامنه مسئولیت شاهد در فقه شیعه و حنفی چه مقدار است؟ در صورت فریبکاری ملزم به جبران خسارت است یا چنین شرطی وجود ندارد؟ چه افتراق و اشتراکاتی در فقه شیعه و حنفیه وجود دارد؟ لذا به عوامل پیدایش مسئولیت در صورت ادای شهادت پرداخته شده است.

رجوع از شهادت و شهادت دروغ از موارد ایجاد مسئولیت برای شاهد است. رجوع از شهادت مانند شهادت ممکن است در موارد گوناگون اتفاق بیفتد. این موارد در پژوهش حاضر به دقت بررسی شده است. موضوع اصلی مسئولیت مدنی شاهد است، اما در برخی موارد به ناچار از مسئولیت کیفری شاهد سخن به میان آمده است. علت بیان موارد مسئولیت کیفری این است که در فقه امامیه در برخی موارد برای شاهد مسئولیت کیفری در نظر گرفته شده است هر چند در فقه حنفی در همان موارد شاهد دارای مسئولیت مدنی است. به همین دلیل در این گونه موارد برای پوشش نظر هر دو فقه به بررسی هر دو مسئولیت پرداخته شده است. روش تحقیق این پژوهش به شیوه توصیفی و تحلیلی و مقایسه‌ای بوده و داده‌ها به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

### عوامل مسئولیت شاهد

هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه شاهد نیست مگر اینکه شاهد از شهادتش برگردد یا شهادت دروغ داده باشد. مسئولیت شاهد از نوع مدنی است و در موارد استثنا نیز دارای مسئولیت کیفری می‌شود. مسئولیت مدنی دارای تعاریف گوناگونی است. یکی از تعاریف مختصرش این است که شخص قانونا ملزم به جبران خساراتی می‌شود که از رفتار او به دیگری وارد شده است (جعفرزاده، ۱۳۹۰، ش، ۱۳). حقوقدانان در مبانی شکل‌گیری این مسئولیت اختلاف نظر دارند. اختلاف آنان براساس فقه اسلامی است که جبران خسارتها را در قالب قواعدی هم‌چون قاعده اتلاف، تسبیب و غرور تشریح کرده است. در ادامه اقسام مختلف مسئولیت مدنی شاهد که شامل رجوع از شهادت و شهادت به دروغ است بیان می‌شود و سپس مسئولیت شاهد در قبال آنها بیان می‌گردد.

#### ۱. رجوع از شهادت

یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد مسئولیت مدنی برای شاهد رجوع از شهادت است. رجوع از ماده «رجع یرجع رجعا» به معنای انصراف و روی‌گردانی از کاری آمده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۱۴/۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ۲/۴۹۰). رجوع از شهادت در اصطلاح به این معناست که شهود پس از ادای شهادت به حق در محضر دادگاه و آگاهی از عدالتشان، از شهادت خود برمی‌گردند (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۲۴۶/۸). یادآوری و بازبینی مجدد واقعه، ترس

از عواقب شهادت، تهدید مشهود علیه، خطا و اشتباه و... می‌تواند از جمله عوامل رجوع شاهد باشد. رجوع از شهادت ممکن است در موارد گوناگون باشد. در ادامه موارد آن بیان می‌شود.

### ۱-۱. مسئولیت شاهد در صورت رجوع از شهادت قبل از صدور حکم

در مواردی که شهادت دو شاهد یا بیشتر معتبر است اگر شاهد ها قبل از صدور حکم از شهادت خود رجوع کنند، حکم صادر نمی‌شود، زیرا صدور حکم تابع شهادت شاهدان است که آن رفع شده است. قاضی نیز نمی‌داند که شاهدان در شهادت اول راست گفته‌اند یا در شهادت دوم؛ بنابراین گمان به راستگویی در شهادت باقی نمی‌ماند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۴/۳). در متون فقهی امامیه در صورت رجوع شاهد قبل از صدور حکم برای شاهد مسئولیت خاصی ذکر نشده است و تنها از صدور حکم بر اساس شهادت جلوگیری می‌شود (خویی، ۱۴۲۲ق، ۲۹/۳؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۲/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۴/۳)، اما در آراء فقهای حنفیه در این مورد اختلاف نظر وجود دارد، ضمن اینکه فقهای حنفیه متفقند که رجوع از شهادت فقط در برابر قاضی معتبر است (موصلی، ۱۴۲۶ق، ۱۶۳/۲؛ ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۵۰۴/۵). در کتاب الاختیار لتعلیل المختار آمده است: «اگر شهود قبل از صدور حکم رجوع نمودند، شهادت ساقط می‌شود، زیرا حق فقط به وسیله قضاوت ثابت می‌شود. قضاوت نیز بر مبنای شهادت حاصل می‌شود که در شهادت تناقض وجود دارد» (موصلی، ۱۴۲۶ق، ۱۶۳/۲). با این وجود در مجله احکام عدلیه که احکام فقه حنفی به شکل مواد قانونی تدوین شده، در ماده ۱۷۲۸ آمده است: «زمانی که شهود در حضور قاضی وبعد از ادای شهادت، قبل از صدور حکم از شهادتشان رجوع کنند، شهادت آنها ملغی است و آنها تعزیر می‌شوند» (گروه مؤلفین، ۱۸۸۲م، ۳۵۰-۳۵۱). برخی بر تعزیر شاهد به عدم ضمان او در این مرحله اذعان کرده‌اند (ابن عابدین، ۱۴۱۲ق، ۵۰۴/۵).

### ۱-۲. مسئولیت شاهد در صورت رجوع از شهادت بعد از صدور حکم

مسئولیت شاهد در صورت رجوع وی از شهادت پس از صدور حکم مطابق با تقسیم شهادت در امور مالی و غیر مالی بیان می‌شود.

## ۱-۲-۱. در امور مالی

نظر مشهور فقهای امامیه (خویی، ۱۴۲۲ق، ۳/۳۰؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۲/۴۵۳؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۳/۱۵۴) درباره رجوع شاهد از شهادت پس از صدور حکم، این است که حکم صادر شده نقض نمی‌شود. شاهدان ضامن مالی هستند که به آن شهادت داده‌اند، چه عین باقی باشد چه تلف شده باشد. هر چند در مقابل آن برخی معتقدند اگر عین باقی باشد باید برگردانده شود و شهود ضامن چیزی نیستند (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۳/۱۵۴؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ۳۳۶). می‌توان گفت دلیل این نظر، استناد به روایت جمیل از امام صادق علیه السلام در باب شهادت دروغ است که حضرت می‌فرماید اگر آن شیء موجود باشد به صاحبش بازگردانده می‌شود و اگر موجود نباشد به مقداری که از مال مشهود علیه تلف شده است شاهد ضامن است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۷/۳۸۴).

ظاهر روایت اعلام می‌دارد که در مقام بیان حکم شهادت دروغ است و در ادامه بیان خواهد شد که شهادت دروغ (زور) از نظر ساختار با رجوع از شهادت متفاوت است. هر چند که هر دو موجب ضمان و مسئولیت می‌شود و اما رجوع از شهادت لزوماً به خاطر دروغ‌گویی نیست، بلکه ممکن است شاهد در شهادت صادق باشد و اما به موجب تهدید مشهود علیه یا عوامل دیگر از شهادت خود رجوع کند. بنابراین محتمل است که رد مال در صورت بقا مختص به شهادت زور که دروغ‌گویی عمدی است باشد و شامل رجوع از شهادت نشود، همان‌طور که در روایت دیگری از جمیل آمده است اگر شهود از شهادتشان رجوع کردند و حکم علیه مشهود علیه صادر شده بود شهود ضامن آنچه شهادت داده‌اند هستند و غرامت می‌دهند و اگر قضاوت انجام نشده باشد شهادت آنها رد می‌شود و شهود غرامتی نمی‌پردازند (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ۲۷/۳۲۶).

با نگاه دقیق به این دو روایت می‌توان از هر دو لزوم مسئولیت مدنی شاهد را استخراج کرد. در روایت اول عبارت «ضَمِنَ بَقْدَرٍ مَا أُتْلِفَ» به روشنی تصریح می‌کند که شاهد اگر با شهادت خود باعث تلف مال مشهود علیه شده، ضامن جبران خسارت به وجود آمده است. نکته قابل تأمل این است که در همین عبارت کوتاه میزان این مسئولیت نیز صراحتاً به اندازه ضرر وارد شده اعلام شده است. از سوی دیگر این عبارت تأکید بر قاعده تسبیب دارد که یکی از موجبات ایجاد مسئولیت مدنی و ضمان در فقه امامیه است. نحوه اجرای قاعده تسبیب در رجوع از شهادت به این‌گونه است که شاهد در محضر دادگاه شهادتی می‌دهد و

قاضی بر اساس آن شهادت، علیه مشهود علیه حکم صادر می‌کند. در نتیجه این حکم به طور مثال مالی از مشهود علیه گرفته شده و به مشهود له تحویل داده می‌شود که در نتیجه آن یا فروخته می‌شود یا تلف می‌شود؛ مدتی بعد شاهد از شهادت خود رجوع می‌کند. در اینجا طبق قاعده تسبیب شاهد ضامن است چون او سبب از بین رفتن مال مشهود علیه شده است. اگر شهادت او نبود قاضی چنین حکمی را صادر نمی‌کرد که نتیجه آن تلف مال باشد. بنابر قول مراعی، مهم صدق عرفی عنوان متلف است که در اینجا این عنوان بر شاهد صادق است نه کس دیگر، در نتیجه وی ضامن جبران خسارتی است که وارد کرده است. در روایت دوم عبارت «ضَمُّوا مَا شَهِدُوا بِهِ وَ غَرَّمُوا» نیز به خوبی بار ضمان و جبران خسارت را بر دوش شاهد تثبیت می‌نماید. این عبارت شهادت را عملی ضمان آور توصیف کرده که در صورت بروز تخلف در آن امکان پیگیری و مطالبه جبران زیان برای شخص زیان دیده وجود دارد. از جمله مشترکات بین آراء فقهای امامیه (خویی، ۱۴۲۲ق، ۳۰/۳؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۳/۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۴/۳؛ طوسی، ۱۴۰۰ق، ۳۳۶) و حنفیه در این مورد، می‌توان به عدم نقض حکم در صورت رجوع شاهد در امور مالی بعد از صدور حکم اشاره کرد. نسفی در کنز الدقائق می‌نویسد: «اگر رجوع شاهد قبل از صدور حکم باشد بر اساس شهادت او قضاوت انجام نمی‌پذیرد و اما اگر رجوع بعد از صدور حکم قاضی باشد حکم نقض نمی‌شود و شهود ضامن آن مالی هستند که از مشهود علیه تلف شده است، چه عین باشد چه نباشد» (نسفی، ۱۴۳۲ق، ۴۸۰؛ کاسانی، ۱۴۱۴ق، ۲۸۵/۶). همین‌طور در ماده ۱۷۲۹ قانون المجله تصریح شده است: «زمانی که شهود بعد از صدور حکم در حضور قاضی، از شهادتشان رجوع کنند، حکم قاضی نقض نمی‌شود و شهود ضامن هستند» (گروه مؤلفین، ۱۸۸۲م، ۳۵۱-۳۵۰).

## ۱-۲-۲. در امور غیرمالی

مسئولیت شاهد درباره امور غیرمالی دارای اقسامی است که در ذیل می‌آید.

### الف) طلاق

زمانی که دو شاهد شهادت دهند که کسی زنش را طلاق داده است و حاکم بر اساس شهادت آنها قضاوت کند سپس شهود از شهادت خود رجوع کنند زن به همسر خود بازگردانده نمی‌شود، زیرا احتمال راست و دروغ در رجوع آنها وجود دارد (مغنیه، ۱۴۲۱ق،

(۱۷۶). قضاوت قطعی با سخن محتمل رد نمی‌شود. این مطلب را شهید ثانی به مشهور فقهای شیعه نسبت داده است (شهید ثانی، ۱۴۰۴، ق، ۱۵۶/۳). نجفی گفته است در عدم نقض حکم به طلاق در صورت رجوع شاهدان اشکالی وجود ندارد (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۶۷۸/۴۱). اگر بین زن و مرد نزدیکی صورت گرفته باشد شاهدان ضامن پرداخت چیزی به شوهر نیستند، زیرا او از بضع بهره برده است. اگر نزدیکی انجام نشده باشد شاهدان ضامن پرداخت نصف مهریه هستند که مرد آن را پرداخت کرده است، بدون آنکه از چیزی بهره‌مند شده باشد. از امام صادق علیه السلام درباره دو شاهدی روایت شده است که نزد زنی شهادت می‌دهند که شوهرش او را طلاق داده است و زن ازدواج می‌کند و سپس شوهرش می‌آید و طلاق را انکار می‌کند، امام علیه السلام فرمود: شاهدان حد می‌خورند و ضامن پرداخت مهریه به شوهر دوم هستند. سپس زن عده نگه می‌دارد و بعد به شوهر اول بازگردانده می‌شود (کلینی، ۱۴۰۷، ق، ۳۸۴/۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۳۳۱/۲۷).

اگر دو مرد شهادت بدهند به اینکه شخصی زنش را طلاق داده است و سپس آن زن عده نگه دارد، بعد از انقضای عده ازدواج کند و دخول انجام شود. سپس دو شاهد از شهادت خود رجوع کنند، به آن دو شاهد حد زده می‌شود. هم‌چنین ضامن پرداخت مهریه به همسر دوم هستند. زن به شوهر اول رجوع می‌کند بعد از اینکه عده ازدواج با شوهر دوم وی تمام شود (طوسی، ۱۴۰۰، ق، ۳۳۶).

به نظر می‌رسد علت چنین فتوایی استناد به روایات بالا باشد، چنان‌که در روایت آمده است: «اگر حاکم حکم به طلاق نماید طلاق قطعی است و حتی با رجوع شهود، زن به شوهر اول بازگردانده نمی‌شود. بنابراین در صورت قضاوت دقیق و صدور حکم قطعی از سوی قاضی حتی با وجود رجوع شاهد حکم طلاق نقض نمی‌شود و زن به شوهر اول برگردانده نمی‌شود» (شهید ثانی، ۱۴۱۰، ق، ۱۵۶/۳). در فتاوی فقهای امامیه (نجفی، ۱۴۰۴، ق، ۶۷۸/۴۱؛ طوسی، ۱۴۰۰، ق، ۳۳۶) مسئولیت کیفری نیز برای رجوع از شهادت متصور شده است که این مسئولیت در صورت شهادت شاهد بر طلاق و ازدواج زن با یک مرد دیگر و وقوع نزدیکی بین آن دو، ایجاد می‌شود. در این حالت شاهد حد می‌خورد. مسئولیت مدنی به صورت پرداخت مهریه از سوی شاهد به شوهر محقق می‌شود.

در صورت صدور حکم قطعی از سوی قاضی مبنی بر طلاق و عدم علم وی به کذب شهود، حکم نقض نمی‌شود. ولی ایجاد مسئولیت مدنی منوط به وقوع نزدیکی بین زن و

شوهر شده است؛ به این صورت که اگر نزدیکی رخ داده باشد شهود ضامن چیزی نیستند، چون شوهر اگر مهریه‌ای هم پرداخت کرده باشد، از زن مستمع شده است. بحث ما در جایی است که نزدیکی رخ نداده باشد که در این حالت باز هم شوهر ملزم به پرداخت نصف مهر به زن است و ولی شهود باید این نصف را به او پرداخت نمایند. شاید این سؤال پیش بیاید که در هر صورت شوهر باید این نصف را به زن پرداخت می‌کرد، پس چرا برای شهود این وظیفه به وجود می‌آید؟ پاسخ این است که درست است که به محض عقد و قبل از نزدیکی نصف مهر بر مرد لازم می‌شود، اما این استقرار ثابت نیست و ممکن است به علت برخی شرایط هم چون ارتداد زن مهریه به طور کامل از عهده مرد ساقط شود (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۲/۲۳۸) و بنابراین شاهد با شهادت خود باعث طلاق و وجوب پرداخت نصف مهر از طرف مرد به زن شده است و این خود خسارت و زبانی برای شوهر محسوب می‌شود که شاهد مکلف به جبران آن است.

صورت دوم در جایی است که شاهدان شهادت بر طلاق می‌دهند و زن به صرف شنیدن از شهود و بدون صدور حکم قطعی مبنی بر طلاق دوباره ازدواج می‌کند. مدتی بعد شهود از شهادت خود رجوع می‌کنند، زن به شوهر اول رد می‌شود. اینجا مسئولیت مدنی به شکل پرداخت مهریه از طرف شهود به شوهر دوم ایجاد می‌شود، زیرا باز هم شهود باعث ورود خسارت به شوهر دوم شده‌اند که ملزم به جبران آن هستند. به نظر می‌رسد مبنای جبران خسارت در رجوع از شهادت در طلاق قاعده لاضرر است.

در فقه حنفی نیز شرط ایجاد مسئولیت دخول عنوان شده است. در شهود دخول و طلاق از هم مجزا شده و حکمشان نیز متفاوت است (نسفی، ۱۴۳۲ق، ۴۸۰؛ کاسانی، ۱۴۱۴ق، ۶/۲۸۵) و البته قانون کلی که در صورت دخول، شاهد ضامن چیزی نیست همانند فقه امامیه در فقه حنفی نیز رعایت شده است و فقط بنابر تفکیک شهود از هم میزان ضمان و پرداخت خسارت اشکال مختلفی دارد که در ادامه بیان می‌شود.

اگر یک مرد و دو زن بر طلاق زنی شهادت دهند و یک مرد و دو زن بر دخول به او شهادت دهند و قاضی به طلاق و پرداخت مهریه حکم کند. سپس همگی از شهادتشان رجوع کنند، بر عهده شهود دخول، پرداخت سه چهارم مهریه و بر عهده شهود طلاق، پرداخت یک چهارم مهریه لازم می‌شود، زیرا شاهدان طلاق به نصف مهریه شهادت داده‌اند و به همین نصف محکوم می‌شوند، اما شهود دخول در حقیقت به کل مهریه شهادت داده‌اند. پس شاهد



نصف دیگر مهریه هم هستند و لذا در هنگام رجوع ضامن همه مهریه می‌شوند. اگر شهود دخول رجوع نکنند و فقط شهود طلاق رجوع کنند هیچ‌کدام ضامن نیستند. اگر زنی از شهود دخول و زنی از شهود طلاق رجوع کنند ضمانتی بر عهده رجوع‌کننده از شهادت بر طلاق وجود ندارد. بر عهده کسی که شهادت بر دخول رجوع کرده است پرداخت یک‌هشتم مهر لازم است، زیرا ضامن یک چهارم از نصف هستند که شهود دخول به تنهایی ضامن آن‌اند (این‌مازه، ۱۴۲۴ق، ۸/۶۱۱). برخی این مسئله را از زاویه‌ای مورد بررسی کرده و گفته‌اند: «اگر شاهدان علیه مردی شهادت دهند که او همسرش را سه بار طلاق داده و بعد به او دخول کرده باشد و قاضی بر اساس شهادت آنها حکم صادر کرده باشد سپس آنها از شهادت خود رجوع کنند، شهود چیزی جز مازاد بر مهرالمثل را ضامن نیستند. اگر رجوع قبل از دخول باشد و مهرالمسمی تعیین شده باشد شهود ضامن نصف هستند در غیر این صورت شهود ضامن مهر متعه هستند، زیرا با شهادت آنها تلف شده است و برای مشهودعلیه حتی اگر در برابر آن عوضی قرار داده شود چیزی حاصل نمی‌شود» (کاسانی، ۱۴۱۴ق، ۶/۳۶۶).

#### ب) قتل

در رجوع از شهادت بر قتل در فقه امامیه (شهید ثانی، ۱۴۰۴ق، ۳/۱۵۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۴۱/۶۷۸؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۲/۴۵۲؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ۳/۳۰) دو مسئولیت کیفری و مدنی ایجاد می‌شود. مسئولیت کیفری موجب قصاص شاهد می‌شود و مسئولیت مدنی پرداخت دیه را بر او واجب می‌کند. چیزی که مرز این دو مسئولیت است تعمد است. به این صورت که اگر شاهد در ادای شهادت غرض‌ورزی داشته باشد پس از رجوع ولی دم حق قصاص او را دارد و اما اگر شاهد اشتبهاً شهادت نادرست داده است و تعمدی در کار نیست پرداخت دیه لازم می‌شود.

لذا اگر شهود از بعد استیفاء حکم رجوع کنند و حکم متضمن قتل یا جراحت باشد، چند حالت قابل تصور است:

اول: اگر عمداً شهادت دروغ داده باشند، قصاص می‌شوند؛ دوم: اگر اشتبهاً شهادت دروغ داده باشند، پرداخت دیه به عهده آنها می‌آید؛ سوم: اگر برخی عمداً شهادت دروغ داده و برخی اشتبهاً شهادت داده باشند، آنانی که شهادت دروغ داده‌اند قصاص می‌شوند و نسبت به سهم مشارکت آنها دیه به خانواده‌شان پرداخت می‌شود و گروهی که شهادت اشتباه داده‌اند بالنسبه سهمش در مشارکت قتل یا جراحت دیه به مشهودعلیه می‌پردازد؛ چهارم: اگر شاهد

بگوید عمداً دروغ گفته اما گمان نمی‌کرده شهادتش قبول شود، برخی حکم به قصاص او داده‌اند و برخی قتل را شبه عمد دانسته و معتقدند دیه بر عهده شاهد می‌آید. اگر شهود متعمد بیشتر از یکی باشند، ولی دم مشهود علیه می‌تواند بعد از پرداخت تفاضل دیه همه را قصاص کند. یا یک نفر را قصاص کند و بقیه مقدار سهمشان از جنایتی را که کرده‌اند را بپردازند (حلی، ۱۴۱۳ق، ۵۰۹/۳).

در فقه حنفیه در صورت رجوع شاهد از شهادت بر قتل، حتی اگر حکم اجرا شده باشد مسئولیت کیفری برای شاهد ایجاد نمی‌شود و فقط مسئولیت مدنی به وجود می‌آید که همان پرداخت دیه است. زمانی که شهود قصاص رجوع کنند ضامن پرداخت دیه هستند و نمی‌توان آنها را قصاص کرد، زیرا آنها مابشرتاً باعث ایجاد قتل نشده‌اند بلکه سبب قتل شده‌اند؛ مانند کسی که چاهی حفر می‌کند لذا تسبیب قصاص را واجب نمی‌کند. اگر شهادت به عفو از قصاص دادند سپس رجوع کردند ضامن نیستند، زیرا قصاص از امور مالی نیست (موصلی، ۱۴۲۶ق، ۱۶۶/۲-۱۶۵).

اگر شهادتی ارائه شود که به موجب آن قتل یا آسیب جسمانی برای کسی رخ دهد بدون شک مسبب آن تنها شاهد است. هرچند که در این‌گونه موارد جبران کامل امکان‌پذیر نیست و فرد کشته شده زنده نمی‌شود و اما بنا بر قاعده تسبیب شاهد شهادتی داده است که بر اساس آن حکم به قتل فردی شده است. درست است که شاهد مابشرتاً اقدام به قتل یا ضرب و جرح نکرده است، اما شهادت او سبب صدور حکم قتل شده و سبب اینجا اقوی از مباشر قتل است، طوری که اگر نبود قتل انجام نمی‌شد. با عنایت به مطالب مذکور، به نظر می‌رسد شاهد ضامن است و باید جزای کار خود را ببیند، چه با قصاص چه با پرداخت دیه. ماهیت دیه نیز نمی‌تواند مجازات صرف باشد و همان‌طور که فقهای عظام فرموده‌اند دیه بیشتر جنبه جبران خسارت دارد. در صورتی هم که ضمان شاهد به صورت پرداخت دیه باشد اگر هزینه‌های مازاد بر دیه نیز وجود داشته باشد، بنا بر قاعده لاضرر که هیچ ضرری نباید بدون جبران باقی بماند، باید این هزینه‌ها در حد متعارف پرداخت شود.

### ج) زنا

این مورد نیز مانند رجوع از شهادت بر قتل است و بنا بر نظر فقهای امامیه (شهید ثانی، ۱۴۰۴ق، ۱۵۶/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۶۷۸/۴۱؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۳/۲) در صورت تعمد در ادای شهادت دروغ مسئولیت کیفری برای شاهد ثابت می‌شود. مسئولیت مدنی نیز در

صورت ادای شهادت بر اساس وهم و خطا به شکل پرداخت دیه حاصل می‌شود. در اینجا نیز شاهد سبب رجم مشهودعلیه شده و بنا بر قاعده تسبیب ضامن است.

اگر یکی از شهود زنا بعد از سنگسار مشهودعلیه بگوید عمداً دروغ گفته است دو حالت قابل تصور است: الف) شهود دیگر او را تصدیق کنند؛ ولی دم حق قصاص همگی را دارند. البته ولی دم اضافه دیه فرد سنگسار شده را می‌پردازد. اگر فقط یک نفر را قصاص کنند، دیگران متمم دیه او را بعد از تعیین سهم مقتول بر اساس حصه‌ها می‌پردازند. اگر بخواهند بیشتر از یک نفر را قصاص کنند، ولی دم اضافه دیه کسانی که قصاص می‌شوند را می‌پردازد. باقی شهود آنچه بعد از تعیین سهم مقتولین کم می‌آید را کامل می‌کنند. ب) شهود دیگر، شاهد رجوع کرده را تصدیق نکنند؛ اقرار او فقط نسبت به خودش نفوذ دارد. لذا این شاهد کشته می‌شود و دیگران سه چهارم دیه را به او برمی‌گردانند (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ۱۳۲/۴).

به نظر می‌رسد طوسی به این علت بقیه شهود را ملزم به پرداخت اضافه دیه به شاهد مقتول دانسته که تک تک شهود با هم و به همراه هم موجب ثبوت حکم شده‌اند و حال که یکی رجوع کرد بقیه ملزم به جبران دیه او هستند (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۳۳۵) امام صادق علیه السلام درباره چهار نفر که بر زناي مرد همسر داری شهادت داده بودند و یکی از آنها بعد از کشته شدن مرد، از شهادتش رجوع کرده بود فرمودند: «اگر نفر چهارم (رجوع کننده) بگوید دچار وهم و اشتباه شدم، حد می‌خورد و دیه را می‌پردازد و اگر بگوید عمداً شهادت دروغ دادم کشته می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۸۴/۷). همان تفاوتی که در رجوع از شهادت بر قتل در فقه حنفی با فقه شیعه وجود داشت، اینجا هم وجود دارد. شهود در صورت رجوع از شهادت و قتل مشهودعلیه فقط دارای مسئولیت مدنی می‌شوند. باید دیه بپردازند (موصلی، ۱۴۲۶ق، ۱۶۶/۲-۱۶۵).

اگر چهار نفر بر زناي مردی شهادت دادند و شهود دیگر بر احسان (همسرداری) او شهادت دادند اما بعد از اجرای سنگسار، از شهادت رجوع کردند، شهود احسان ضامن چیزی نیستند. بلکه پرداخت دیه بر شهود زنا واجب می‌شود، زیرا علت رجم زنا بوده و محصن بودن شرط آن است. اگر یکی از شهود زنا بعد از رجوع کند، حد قذف می‌خورد، زیرا شهادت او با اقرارش تبدیل به قذف شده است. اگر یکی از آنها بعد از صدور حکم و قبل از اقامه حد، رجوع کند، همگی حد می‌خورند (سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ۳۶۸-۳۶۷؛ سرخسی، ۱۴۲۱ق، ۲۰/۹).

### د) وصیت

با جست‌وجو در متون فقه امامیه مطلبی که صراحتاً دلالت بر مسئولیت شاهد از رجوع شهادت بر وصیت یافت نشد. هر چند در فقه حنفیه مسئولیت را متوجه شاهد رجوع‌کننده می‌داند. در کتاب جواهر آمده است: « هنگامی که دو شاهد به وصیتی برای زید شهادت دهند و دو فرد عادل از ورثه او شهادت دهند که میت از آن وصیت رجوع کرده است و عینی را که برای زید وصیت کرده بود برای خالد وصیت کرده است؛ شهادت شاهدانی که رجوع کرده‌اند مورد پذیرش است، زیرا آنها منفعتی نمی‌برند. با رجوع، وصیت بدلی را اثبات می‌کنند و بنابراین تهمت از آنها رفع می‌شود. فرقی هم بین وارث و غیر آنها وجود ندارد. البته یک اشکال از این جهت که مال از ید ورثه گرفته می‌شود و به موصی له داده می‌شود وجود دارد. لذا آنها به مدعی بدهکار هستند و شهادتشان علیه او قبول نمی‌شود. زمانی که بینه مدعی است و قسم مدعی هم علیه مدعی علیه است، لذا دلیلی برای قبول شهادت ورثه علیه او وجود ندارد» (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۴۶/۴۱).

در فقه حنفی گفته شده است که اگر شخصی ادعا کند که فلان میت یک‌سوم از کل مالش را برای او وصیت کرده است و شاهد آورده و به نفع او حکم صادر می‌شود؛ سپس شهود از شهادتشان رجوع کنند، شهود نسبت به یک‌سوم مال میت ضامن هستند. اگر دو نفر درباره وصیتی به نفع شخصی شهادت دهند سپس به نفعش حکم صادر شود و دو نفر دیگر شهادت دهند که او از این وصیت رجوع کرده است و ثلث مالش را برای این شخص وصیت کرده است، سپس درباره آن حکم صادر شود. مال از فرد اول گرفته می‌شود، سپس دو نفر دیگر شهادت دهند که موصی از این وصیت رجوع کرده است و ثلث را برای شخص دیگری وصیت کرده است؛ سپس حکم به نفع وی صادر شود، از فرد وسط مال گرفته می‌شود. اگر همه شهود رجوع کنند، دو شاهد آخر برای وسطی یک‌سوم مال میت را ضامن هستند. شهود وسط برای موصی له اول، نصف ثلث را ضامن هستند. شهود اول هیچ چیزی را برای وارث ضامن نیستند (بلخی، ۱۴۱۱ق، ۵۵۲).

به نظر می‌رسد بر اساس قواعد فقهی در صورتی که مال مورد وصیت در خلال شهادت و رجوع از آن تلف شود و به دست موصی له واقعی نرسد، شاهد به عنوان متلف ضامن است. بر اساس قاعده اتلاف باید خسارتی که به بار آورده است را جبران نماید. حتی اگر مال هم تلف نشده باشد بلکه با رجوع شاهد ضرری مانند منع تصرف موصی له واقعی ایجاد شده

باشد؛ طبق قاعده لاضرر شاهد این حق را نداشته است که با شهادت خود به دیگری ضرر برساند و اگر ضرری رسانده باشد باید آن را جبران کند. روشن است که بحث از اثر رجوع از شهادت، به مواردی مربوط است که شهادت، دلیل اصلی دعوا و مستند اصلی تصمیم دادگاه باشد؛ ولی اگر در کنار شهادت، ادله معتبر دیگر در پرونده موجود باشد، معلوم است که رجوع شاهد پیش از صدور رأی، مانع از صدور رأی براساس ادله دیگر نمی‌شود. همچنین در صورتی که حکم دادگاه به ادله معتبر دیگر نیز مستند باشد، با رجوع شاهد پس از صدور حکم، حکم صادر شده با وجود ادله معتبر دیگر، نقض نمی‌شود (حسن‌زاده، ۱۳۹۳ش، ۹).

رجوع از شهادت و بار مسئولیتی را که برای شاهد به وجود می‌آورد بیان شد. در ادامه به دومین عاملی که موجب مسئولیت شاهد می‌شود یعنی شهادت دروغ (زور) پرداخته می‌شود.

## ۲. شهادت دروغ

در اصطلاح فقهی به شهادت دروغ (شهادت زور) گفته می‌شود. زور به معنی زینت‌بخشیدن به دروغ است (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۱۰۴/۲). به دروغ و امر باطل و تهمت نیز زورگفته می‌شود (طریحی، ۱۳۷۵ش، ۳۱۹/۳). «تزویر و دروغ در شهادت محقق نمی‌شود مگر با دروغ‌گویی از روی عمد. دروغ‌گویی در شهادت با بینه و شهادت ثابت نمی‌شود، چون در آن صورت تعارض بین بینه‌ها به وجود می‌آید و نیز کذب و دروغ با اقرار شاهدان هم اثبات نمی‌شود، چون اقرار آنها به دروغ، رجوع از شهادت است. همانا کذب در شهادت با قرینه‌ها و شواهدی که علم قطعی به وجود می‌آورد ثابت می‌شود ازین جهت که حاکم یقیناً به دروغ‌گویی شاهد پی می‌برد. هر وقت که کذب در شهادت ثابت شود حکم ساقط می‌شود، چه قبل از اجرای حکم باشد چه بعد آن، زیرا چیزی که بر فاسد بنا شده باشد، همانند آن فاسد است» (مغنیه، ۱۴۲۱ق، ۱۶۴).

کذب عمدی در ادای یک شهادت نیز مانند رجوع از آن برای شاهد مسئولیت به بار می‌آورد و نباید فراموش کرد که این مسئولیت بسیار سنگین‌تر از رجوع است، زیرا رجوع گاهی ممکن است از روی خطا در ادای شهادت باشد یا عوامل دیگر. اما تزویر (دروغ) با قصد و نیت شاهد همراه است. قضاوت باید با محکم‌ترین ادله اقامه شود، با شهادت دروغ

شاهد حقی از مستحقی گرفته می‌شود. باعث می‌شود ظلمی به وجود آید و معنای متقن عدالت به سخره گرفته می‌شود. در فقه امامیه باید جبران خسارت شود. جبران خسارت با جریان قاعده غرور امکان‌پذیر می‌شود. زیرا شاهد با فریفتن قاضی عامدانه، اقدام به ادای شهادت کذب نموده است و بنابراین ضامن جبران زیانهای وارده است. هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که ایشان فرمودند: «شاهد زور، قدم بر نمی‌دارد مگر اینکه آتش بر او واجب می‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ۳۸۳/۷). برای مجازات شاهد زور در فقه شیعه دو مورد پیش‌بینی شده است: تشهیر و تعزیر (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۷۲۹؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۵۲/۴۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۴/۳؛ خویی، ۱۴۲۲ق، ۲۹/۳؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۴/۲).

تشهیر یعنی شخص به عنوان شاهد دروغگو به مردم معرفی شود. معرفی شاهد زور در بین مردم بیانگر اهمیت بعد اجتماعی این جرم است. درباره نحوه مجازات شاهد زور ابن‌ادریس حلی در کتاب السرائر می‌نویسد: «رجوع شاهدان از شهادت موجب فسق نیست. باعث رد شهادت آنها علیه دیگری نمی‌شود. شایسته است که شهود زور را تعزیر کنند. یا آنها را در میان مردم محله و بازار در اوقات گوناگون تشهیر کنند. به این علت که دیگران از انجام چنین کاری منع شوند. تشهیر و رسواکردن به این صورت است که در محله و بازار صدا بزنند که فلانی شاهد دروغگوست» (ابن‌ادریس حلی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۰/۲).

فقهای حنفیه در باب مجازات شاهد دروغگو اتفاق نظر ندارند (کاسانی، ۱۴۱۴ق، ۳۶۶/۶). برخی معتقدند شاهد زور فقط تشهیر می‌شود و نیازی به تعزیر نیست، زیرا تشهیر و رفتن آبروی شخص مجازات بزرگی محسوب می‌شود. تشهیر به این ترتیب که در شهر گردانده می‌شود، به صورتی که رسوا شود. اگر بازاری است قاضی او را در وقت ظهر که اهل بازار جمع هستند بین آنها می‌فرستد. اگر بازاری نیست قاضی وقتی اهل محله جمع هستند او را به محله‌اش می‌فرستد. به این ترتیب معرفی می‌شود که این فرد شهادت دروغ داده است، از او دوری کنید. برخی دیگر تعزیر را نیز لازم می‌دانند. در کتاب المحیط در این باره آمده است: «شاهد زور تعزیر می‌شود، زیرا او مرتکب گناه کبیره شده است، چنان‌که

در آیه ۳۰ سوره حج<sup>۵</sup> شهادت زور برابر با شرک به خدا قرار گرفته است و در این آیه حدی تعیین نشده است. لذا تعزیر می‌شود» (ابن مازه، ۱۴۲۴ق، ۴۵۶/۸).

### تقسیم مسئولیت بین شهود

در صورت تعدد شهود، مسئولیت بین آنها تقسیم می‌شود. در صورتی که حکمی با شهادت چند شاهد صادر شد، بعد از رجوع شهود هر کدام به میزان سهمی که در اثبات حکم داشته‌اند، بار مسئولیت را به دوش خواهند کشید. در فقه شیعه (طوسی، ۱۴۰۰ق، ۷۳۰؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۳۹/۴۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۰ق، ۱۵۹/۳؛ خوبی، ۱۴۲۲ق، ۳۲/۳؛ خمینی، ۱۴۰۹ق، ۴۵۶/۲) اگر شاهدان بعد از صدور حکم و گرفتن مال توسط مشهودله با همدیگر از شهادتشان رجوع کنند، در برابر مشهودعلیه به صورت مساوی ضامن هستند. به این علت که در ایجاد مقتضی برای آن به صورت تساوی شریک هستند. اگر یکی از آنها رجوع کند نصف مال را ضامن است. اگر مشهودبه، با یک شاهد مرد و دو شاهد زن ثابت شود و همگی رجوع کنند، مرد نصف و هر زن یک چهارم مال را ضامن است، زیرا دو زن با هم به منزله یک مرد هستند. اگر مشهودبه، با یک شاهد مرد و قسم مدعی ثابت شده باشد، شاهد نصف مال را ضامن است، زیرا ظاهر این است که حق به وسیله هر دو با هم ثابت شده است. اگر گفته شود حق فقط با قسم مدعی ثابت می‌شود شاهد ضامن نیست. همان‌طور که اگر گفته شود حق فقط با شاهد ثابت شده است، فقط شاهد ضامن است. البته احتمال دارد این ضمانت بین شاهد و مدعی نصف شود، زیرا شکی نیست که هر یک از آنها در اثبات حق سهمی دارند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ۲۳۸/۴۱).

در فقه حنفی (سمرقندی، ۱۴۱۴ق، ۳۶۵/۳؛ نسفی، ۱۴۳۲ق، ۴۸۱؛ کاسانی، ۱۴۱۴ق، ۲۸۶/۶). تقسیم مسئولیت بین شهود نیز شبیه فقه امامیه است. اگر دو شاهد درباره مالی شهادت دهند سپس قاضی حکم آن را صادر کند، سپس شهود از شهادتشان رجوع کنند، شهود ضامن آن مال برای مشهودعلیه هستند. اگر یکی از آنها رجوع کند ضامن نصف است. اگر سه نفر به مالی شهادت دهند و یکی از آنها رجوع کند ضمانتی بر او نیست. اگر شاهد دوم هم رجوع کند، دو شاهدی که رجوع کرده‌اند ضامن نصف مال هستند. اگر یک مرد و دو زن شهادت دهند و یک زن رجوع کند ضامن یک چهارم مال است. اگر دو زن رجوع

۵. فاجتنبوا الرجس من الأوثان واجتنبوا قول الزور.

کنند ضامن نصف مال هستند. اگر یک مرد و ده زن شهادت دهند سپس هشت نفر از زنها رجوع کنند، ضمانی بر آنها نیست. اگر یک نفر دیگر از زنان رجوع کند، یک چهارم حق بر گردن آنهاست. اگر یک مرد و کل زنان رجوع کنند از نظر ابوحنیفه مرد ضامن یک ششم مال و زنان ضامن پنج ششم مال هستند (غنیمی، بی تا، ۳۷۸).

### نتیجه

عوامل ایجاد مسئولیت مدنی شاهد در فقه شیعه و حنفیه، رجوع شاهد از شهادت یا اثبات کذب وی در ادای شهادت است. ادای شهادت دروغ یا رجوع از شهادت چه قبل از صدور حکم باشد چه بعد از آن، چه در امور مالی باشد چه در امور غیرمالی، چه از روی اشتباه و خطا باشد چه با نیت ناصواب یا در صورت ورود ضرر به مشهودعلیه، موجب ضمانت شاهد است. شاهد ضامن جبران خسارت است. مدرک جبران ضرر از منظر فقهی، قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب و غرور است. این قواعد با هدف جلوگیری از رفتارهای زیانبار افراد جامعه نسبت به هم، جبران حقوق تلف شده و مجازات افرادی که با فریبکاری حقوق دیگران را پایمال می کنند، مسئولیت شاهد را اثبات می کنند. در موارد رجوع شاهد یا شهادت دروغ آراء فقهای امامیه و حنفیه اشتراکات فراوانی دارد. از جمله می توان به عدم نقض حکم در صورت رجوع شاهد در امور مالی بعد از صدور حکم اشاره کرد. به طور کلی تفاوت آنها در دامنه گسترده تر مسئولیت شاهد در فقه امامیه نسبت به فقه حنفی است، چنان که در برخی موارد، فقه امامیه برای شاهد مسئولیت کیفری در نظر گرفته است. در صورت رجوع شاهد قبل از صدور حکم یا رجوع از شهادت بر وصیت بین این دو فقه اختلاف وجود دارد.



## فهرست منابع

- ابن‌ادریس حلی، محمد بن منصور، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ابن‌عابدین، محمد امین بن عمر، *رد المحتار علی الدر المختار*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۲ق.
- ابن‌فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
- ابن‌مازہ، محمود بن احمد، *المحیط البرهانی فی الفقه النعمانی*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- ابن‌منظور، محمد بن مکرم، *لسان‌العرب*، بیروت، دارالفکر؛ دارصادر، ۱۴۱۴ق.
- بلخی، نظام‌الدین، *الفتاوی‌الهندیه فی مذهب الإمام الأعظم ابی حنیفه النعمان*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۱ق.
- جعفرزاده، علی، *الزامات بدون قرارداد و ضمان قهری*، تهران، جنگل، ۱۳۹۰ش.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البتین بیت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ق.
- حسن‌زاده، مهدی، «بررسی فقهی - حقوقی اثر رجوع شاهد از شهادت در دعاوی مدنی»، *مجله حقوق اسلامی*، شماره ۴۱، تابستان ۱۳۹۳ش.
- حلی، حسن بن یوسف، *قواعد الأحکام فی معرفه الحلال و الحرام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ق.
- خمینی، سید روح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۹ق.
- خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، قم، مؤسسه احیاء آثار امام خویی، ۱۴۲۲ق.
- سرخسی، محمد بن احمد، *المبسوط*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۲۱ق.
- سمرقندی، محمد بن احمد، *تحفة الفقهاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، قم، داوری، ۱۴۱۰ق.
- همو، *مسالك الأفهام الی تنقیح شرائع الإسلام*، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، ۱۴۰۴ق.
- طریحی، فخرالدین بن محمد، *مجمع البحرین*، تهران، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ش.
- طوسی، محمد بن حسن، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المكتبة المرتضویة، ۱۳۸۷ق.
- همو، *النهاية فی مجرد الفقه و الفتاوی*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۰ق.
- غنیمی، عبدالغنی بن طالب، *اللباب فی شرح کتاب*، بیروت، المكتبة العلمیه، بی‌تا.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، *القاموس المحیط*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- کاسانی، ابوبکر بن مسعود، *بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ق.
- کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.

- گروه مؤلفین، مجله الاحکام العدلیه، بی جا، نورمحمد، ١٨٨٢م.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ١٤٠٨ق.
- مغنیه، محمدجواد، فقه الإمام الصادق علیه السلام، قم، مؤسسه انصاریان، ١٤٢١ق.
- موصلی، عبدالله بن محمود، الاختیار لتعلیل المختار، بیروت، دارالکتب العلمیه، ١٤٢٦ق.
- نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ١٤٠٤ق.
- نسفی، عبدالله بن احمد، کنز الدقائق، بیروت، دارالبشائر الإسلامیه، ١٤٣٢ق.